



حضرت آیت‌الله جنتی «دامت برکاته»

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

بدینوسیله گزارش جلسه ششصد و شصت و پنجم مجمع مشورتی فقهی شورای محترم نگهبان مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۱ مشتمل بر بررسی یک لایحه ارائه شده به شرح ذیل تقدیم می‌گردد:

دستور: لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی اعاده شده از سوی شورای محترم نگهبان.

تبصره ۲ ماده ۱۳: به شرح زیر اصلاح شد ...

بررسی: با اصلاح انجام شده هر چند ایراد شورای محترم نگهبان رفع گردیده است الا اینکه دو مطلب قابل توجه می‌باشد:

۱- طبق موازین شرعی ولی یا قیم مجنون، حاکم شرع می‌باشد نه شخص دیگر ولی عبارت (به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود) ظهور در ولی غیر از حاکم شرع دارد، و از این جهت خلاف موازین شرع است.

۲- در مورد فرض مذکور در تبصره (یعنی فرضی که ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند) نسبت به گرفتن وکیل در بین اعضاء مجمع دو نظر وجود داشت بعضی از اعضاء نظرشان این بود که اگر ادله اثبات جرم کامل باشد به نحوی که خود شخص نیز در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام نماید گرفتن وکیل چه معنائی دارد بلکه با این فرض باید قاضی انشاء رای نماید و مجازات بر او اجراء گردد.

در مقابل نظر بعضی از اعضاء این بود که هر چند ادله اثبات جرم کامل بوده و می‌تواند اثبات نماید لکن این ادله چه بسا نمی‌توانند واقع و ثبوت جرم در واقع را ثابت نمایند.

لکن از این شبهه بعضی از اعضاء این‌گونه جواب دادند که ادله اثبات جرم حجت و معتبر بوده و طریق الی‌الواقع می‌باشند و در نتیجه واقع را ثابت می‌نمایند و قهراً ادله اثبات جرم ادله ثبوت جرم می‌باشند. و مثلاً اگر شاهد از شهادت خود برگردد در واقع ادله اثبات منحل می‌گردد نه اینکه در این فرض ادله اثبات وجود دارد و ادله ثبوت وجود ندارد. بنابراین تحقق جرم از شخص عاقل مسلم است و باید به مجازات محکوم شود.

همچنین در مقام توجیه احتیاج به وکیل نظر بعضی از اعضاء این بود که چه بسا احتیاج به وکیل به جهت این است که وکیل قاضی را نسبت به اشتباه خود در مورد استناد به این ادله در محکوم نمودن موکل آگاه می‌نماید.

اما از این توجیه این‌گونه جواب داده شد که فرض این است که ادله اثبات جرم به نحوی می‌باشد که فرد در فرض افاقه نیز نمی‌توانسته است از خود رفع اتهام نماید و این فرض با وکیل گرفتن نیز مفروض است و لذا آگاه نمودن قاضی توسط وکیل خلاف فرض است و تغییر دادن موضوع می‌باشد و نمی‌توان وکیل برای تغییر دادن موضوع گرفته شود.

ان‌قلت: ذهنیت و شرائط مستفاد از تبصره آن است که چه بسا ادله نتواند وقوع جرم را اثبات نماید و لذا در این ذهنیت بحث گرفتن وکیل مطرح می‌گردد، یعنی چه بسا ادله و بینه شرعیه وجود دارد و طریقیّت و حجیت آن مسلم است ولی اصابتی آن طریق للواقع مسلم نیست و قاضی این اصابه را درک می‌کند ولی چه بسا وکیل آن را قبول ندارد و لذا احتیاج به وکیل می‌باشد.

قلت: همان‌گونه که قبلاً گفته شد فرض این است که ادله اثبات کننده واقع و طریق الی‌الواقع می‌باشند و در نتیجه فرض عدم‌الاصابه للواقع، خلاف فرض است.

ان‌قلت: به خاطر مصلحت نظام و عدم اتهام نظام، حکم به لزوم گرفتن وکیل شده است.

شماره: ... ۹۲/ف/۶۸۴
 تاریخ: ... ۱۳۹۲/۱۰/۲۴
 پیوست: صلوات

قلت: تمام بحث در این است که با فرض مذکور گرفتن وکیل اشکال ندارد و مثلاً اگر ۴ شاهد عادل شهادت به وقوع زنا بر اساس شرائط مثبتة وقوع الزنا دادند یعنی تمام خصوصیات مثبتة نسبت به جرم وجود داشت دیگر گرفتن وکیل معنائی ندارد و نمی‌تواند فائده‌ای داشته باشد.

پاسخ ۵۴۰: محکومان می‌توانند در صورت رعایت ضوابط و مقررات ...

پرسش: اطلاق اعطاء مرخصی نسبت به مواردی که شخص نباید از زندان خارج شود خلاف شرع و خلاف نظر حضرت امام خمینی «ره» در مواضع مختلف تحریر الوسیله می‌باشد.

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۴۶۴، کتاب الحدود، حد السرقة، القول فی الحد، مسئله ۱: ... و ان سرق ثالثاً حبس دائماً حتی یموت ...

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۴۶۹، کتاب الحدود، القول فی الارتداد، مسئله ۱: ... بل تحبس دائماً و تضرب اوقات الصلوات ...

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۴۸۸، کتاب القصاص، القول فی الموجب، مسئله ۳۳: ... لکن الممسک یحبس ابداً حتی یموت فی الحبس ... و معلوم است که حبس دائم و زدن شخص مرتد در اوقات نماز در زندان منافات با مرخصی دادن به وی دارد.

توضیح اینکه در این جلسه تا پایان همین قسمت بحث شد و اصلاحات و تغییرات انجام شده توسط مجلس شورای اسلامی تا این بخش دارای ایراد شرعی یا قانون اساسی نبوده و رافع ایرادات شورای محترم نگهبان می‌باشد.

مجمع‌شورای فقهی شورای نگهبان